

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی- کابل افغانستان

۰۱ فبروی ۲۰۲۰



شبنامه های فیسبوکی!



برگرفته از یادداشت ها و نوشته های سیاسی نعیم سلیمی ، ۲۵ جنوری ۲۰۱۸ ، برابر با ۵ دلو ۱۳۹۷

شب نامه و درک دقیق از آن برای نسلهای جوان امروزی چندان مأنوس به نظر نمی رسد ؛ ولی برای کسانی که در سنین میانه از زندگی خویش قرار دارند درک آن دشوار نیست.

تقریباً پنج دهه قبل که مردم ما به اخبار و مجلات و رسانه های خبری به پیمانۀ امروزی آن دسترسی نداشتند و از فیسبوک اصلاً خبری نبود ؛ عوام الناس اطلاعات روزمره خود را به تاسی از ضرب المثل های " تا نباشد چیز کی مردم نگویند چیز ها " و یا " دیوار ها موش دارند و موشها گوش " از آوازه های " سر چوک " دریافت می کردند . البته در مراکز علمی چون دانشگاه ها و دانشکده ها بعضاً ما از طریق دریافت شبنامه های بدون آدرس و منبع مشخصی که از جانب احزاب و جریانات سیاسی پخش می گردیدند ؛ از وضعیت کشور آگاه می شدیم ؛ حالا از قضاء

چنین معلوم می شود که در یک و نیم دهه اخیر از برکت اشغال و تجاوز خارجی مردم ما به رسانه های به ظاهر آزاد که در حقیقت با بسیار مهارت خاصی سانسور می گردند، دسترسی پیدا نموده اند. اگر ما به طور کلی به نشرات این رسانه ها نظری بیندازیم علی رغم پیشرفتهای قابل ملاحظه ما هنوز هم در تاریکی اطلاعاتی قرار داریم که با شایعه پراگنی سرچوکی های جدید همراه می باشد و من آن را شبنامه های خیری فیسبوکی تعریف می کنم.

اگر بگویم که در برخی از این برگه های فیسبوکی سانسور شدید نیز به مشاهده می رسد که مطالب ارسالی شما را بعد از تفتیش عقاید و تشخیص صوابدید نشر آن به چاپ می رسانند ، مزاح و مبالغه نکرده ام .

تقریباً همه آنچه را گفته آمدم از جمله بدیهیات به شمار می روند که خوانندگان این قلم به آن آشنائی دارند ؛ ولی آنچه را که تا حالا کمتر روی آن تماس گرفته شده است ، ریشه شناسی شایعه و علل و اسباب این شبنامه ها می باشد که نقش بسزائی را در شکل گیری یک خبر بازی می کند و یا به عبارت دیگر برای خبر هویت ماهوی می بخشد ؛ در غیر آن برخورد سطحی و کلیشه ئی به یک خبر بدون ارتباط زنجیری آن با ریشه خبر و سایر مطالب مربوط به آن درک ناقص را از وضعیت موجود در جامعه در اذهان مردم رسامی می کند که از واقعیت های عینی به دور می باشد. به نظر من علل و اسباب شیوع شایعه ها و شبنامه های خیری را می توان چنین ریشه یابی نمود:

* - سلطه اقتصادی ، مالی - پولی و نظامی طبقات حاکم و بالائی جامعه و یا به عبارت دیگر مستکبرین در یک جامعه در برابر مستضعفین و پائینی ها که در سرکوب و خاموش ساختن مقاومت گروه اخیر الذکر همیشه از ید طولائی برخوردار هستند.

* - مقامات دولتی و اراکین ثلاثه قدرت در چنین جوامع در اختیار بالائی ها قرار دارد که مانع از تجمع ، تشکل و راه اندازی های اعتراضات مردمی در برابر زور گویان می گردد.

* - از لحاظ سوسیولوژیک در همچو جوامعی اعمال و کردار پائینی ها به اندازه سنجش یک ذره بین در زیر نگین کنترول مستکبرین قرار دارد که هرگونه حرکتی را از جانب لایه های محروم جامعه ردیابی نموده و در صورت تبدیل شدن آن به یک اعتراض گسترده سرکوب می نمایند .

* - مطالبی که درین راستا حایز اهمیت است این که طبقات بالائی جامعه در میان سایر لایه های اجتماعی و من جمله فقراء و غیره دارای چشم ها و گوشهای فراوانی می باشند که به وسیله آن از کوچکترین جنبشی ولو حتی به طور خزنده آن ، آگاه می شوند .

* - نکته دیگر جالب که متمم یادداشت فوق الذکر می گردد این است که اگر بالائی ها و اجیران مزدور آنها در قریه ها، شهر ها و سایر محلات تجمع مردم دست به اقدام سرکوب گرانه بزنند ؛ غالباً اینگونه اعمال اصلاً از توجه بزرگی در رسانه ها برخوردار نگردیده و اگر هم گردند در حاشیه اخبار منعکس شده و در طاق نسیان گذاشته می شوند.

* - اگر ما آنچه را که در بالا برشمردیم ، خلاصه بسازیم ، در نتیجه می توان گفت که " ایام همیشه به کام قدرتمندان می چرخد و به قول معروف به اذان غرباء و بینوایان هم در سطح جهانی و به خصوص در افغانستان کسی اقتداء نمی کند و نماز نمی گزارد."

آنچه را که تا حال بررسی نمودیم نه تنها شامل حال کشور ما می گردد ؛ بلکه چنین وضعیتی البته با کمی تفاوتی سلیقه ئی اینجا و آنجا حتی در پیشرفته ترین جوامع مبتنی بر دموکراسی های لیبرال نیز مصداق پیدا می کند . نیازی به توضیح ندارد که در ایالات متحده امریکا و سایر جوامع غربی تصامیم خاص برای سرکوب مقاومت مردم در عقب در های بسته اتخاذ می گردند ، از همین لحاظ است که در بسا کشور های غربی من جمله امریکا برای تشریح سیاست های غامض و پیچیده حلقات حاکم رهبری قدرت ، بعضاً احزاب و جریانات سیاسی به تیوری های نظری فرضیه بافی های

دسیسه ئی دست می زنند که آن را به نام (Conspiracy Theories) یاد می کنند . یک مثالی برای شما در رابطه با حادثه تروریستی یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده می آورم که در باره آن کوهی از کتابها نوشته شده اند که در آنها نظریه های تخیلی که از وقایع عینی سخن می گویند به طور فرضیه بافی ها برای تشریح چگونگی طرح و نقشه این حمله رأی زنی می کنند . علت همه این رأی زنی های متفاوت را در غامض بودن و تاریک بودن وقوع حادثه باید جست و جو نمود نه چیز دیگری. مثال دیگری که تقریباً در همین راستا قابل اهمیت است شایعه پراگنی های وزارت امور خارجه آمریکا و وزارت دفاع آن در تبنای با سایر مقامات بلند پایه این کشور در آستانه حمله و تهاجم بر عراق بود، در آن زمان چنین اطلاعات دروغین در قالب راست برای مردم آمریکا و جهانیان در ملل متحد ارائه گردید که گویا عراق و رژیم حاکم صدام حسین در آنجا دارای سلاح های کشنده بیولوژیک ... و غیره می باشد ، درست با همین شمشیر تبلیغاتی بود که زمینه ها برای تجاوز از لحاظ بین المللی در عراق شکل گرفت که گذشت زمان کذب و جعل بودن آن را بعداً ثابت نمود که کار از کار گذشته بود .

شایعه پرانگی ها درین اواخر در کشور ما نیز بازار گرمی دارد ؛ بالاخص این جریان طوری که دیده می شود با ورود قدوم تازه آقای "گلب الدین حکمتیار" در افغانستان ، حرارت تنور آن بالا گرفته است. مثلاً جناب ایشان خبری را در رابطه با داعش که منبع کنترولی آن معین و معلوم نیست به دهن بی بی سی حواله نمود که حسب آن گویا " جنگ جویان موسوم به دولت اسلامی یا داعش در سوریه و عراق از طریق ایران به افغانستان صادر می گردد" (!؟). یک نمونه دیگر شبنامه های فیسبوکی را برای شما باز گو می کنم که از طریق مسنجر در همه جا پراکنده شده بود و آن این که " ارگ برای جنگ سرنوشت ساز آماده شده است " ؛ حسب این شایعه که گویا از میان شورای امنیت ریاست جمهوری لیک شده بود چنین افواها پخش گردید که گویا : خانه ها ، راه های رفت و آمد ، مراکز ، دفاتر و خطوط ارتباطی همه طرفداران جنرال عطا محمد نور و سردار عبدالرزاق در سرتاسر افغانستان به خصوص در کابل ، بلخ و قندهار تحت نظارت کامل ریاست امنیت ملی قرار گرفته است...؛ افراد غیر مسلح طرفدار رژیم از ولایت های خوست، لوگر و پکتیا به کابل جاسازی و مسلح ساخته شده اند . این شایعه خبری که بسیار طولانی است ، به طور خلاصه از یک کودتای گسترده دولتی علیه والی بلخ و جنرال دوستم معاون اول ریاست جمهوری؛ به شمول جنرال عبدالرزاق خبر می دهد که مراجعه به جزئیات آن وحشتناک است و من از آن انصراف می کنم .

جالب اینجاست که چندی قبل در شبکه های اجتماعی و به خصوص سایت فیسبوکی" در گستره زندگی " یک شبنامه فیسبوکی که بنا بر نزاکت های موجود منبع آن را فاش نمی سازم یک شایعه ضد شایعه آقای "حکمتیار" را نشر نمودند که بنابر افشاگری یک تن از اعضای ارشد کادر رهبری حزب اسلامی، "گلب الدین حکمتیار" با سفارت آمریکا مذاکرات را انجام داده که در نتیجه آن گویا طرفین به توافق رسیده باشند که : حکمتیار به تعداد ۲۰۰۰ تن از ملیشه های وزیر ستانی پاکستانی را که برای هر کدام آنها سی ای ای ۲۵۰۰ دالر معاش می پردازد از طریق خاک افغانستان برای تحقق پروژه داعش در ایران به کشور اخیرالذکر ؛ گسیل می دارد .

البته یک مطلب مهم دیگری را در رابطه با مصیبت شناسی و ریشه شناسی غیبت گوئی نباید فراموش نمود که غالباً در غیبت شما چیزی را می شنوید که در شأن کسی ، چیزی و یا موضوعی وجود بالفعل عینی داشته باشد ؛ ولی آنچه که غیبت گوئی را از افتراء و شایعه مبتنی بر گمان و ابهام گوئی فرق می دهد این که به عکس این عینیت مبتنی بر علیت مسأله را نمی توان در تهمت و افتراء جست و جو نمود . چرا این مطلب را تذکر دادم ، به خاطر این که بیان مطلبی مبتنی بر غیبت اگر منظور از آن برای صوابدید اصلاحات اجتماعی باشد ، اشکالی وجود ندارد زیرا درینجا اصل "انتقاد از خود و دیگران " را مصداق می دانیم که حاصل آن دست یافتن به ثواب است نه شر اندوزی به قیمت

نیکوکاری.

همچنان می‌خواهم یاد آور شوم که با تشخیص و تفکیک شایعه از یک خبر واقعی و ریشه‌شناسی آن که در بالا به آن پرداختیم این سؤال مطرح می‌گردد که انسانهای روشن ضمیر در یک جامعه چه موضعی را اتخاذ نمایند؛ زیرا در بسا موارد حتی شایعات به طور آگاهانه از جانب منابع استخباراتی پخش می‌گردند که بعضاً چنین شایعاتی حتی خود منتشر کننده شایعه را نشانی می‌گرفته باشد؛ بناءً باید بسیار دقت و احتیاط نمود تا شایعه‌ها ما را غافل گیر نساخته و به دام نیندازد. پخش یک شایعه غیر مسؤولانه مانند تیر کشی را می‌ماند که اگر به طور درست از کمان پرتاب نگردد و هدف را نشانی نگیرد، خود پرتاب کننده هدف را نابود می‌کند.

به نظر من ما باید برخورد خود را در همچو موارد بر مبنای میزان عقلی در یک برخورد متوازن و متعادل استوار بسازیم، این مطلبی است که بزرگان عرفان و ادب حوزه فرهنگی ما برای ما نصایح رندانه و عیارانه را از خود به جای گذاشته‌اند که ما را درین راستا کمک می‌کنند. حسب این نصایح ما نباید ساده لوحانه هر شایعه و خبر ولو مستند گونه را کورکورانه قبول کنیم؛ با شکاکیت معقول و کنجکاوانه به موضوع برخورد کنیم و حتی یقین و باور خود را مصیبت شناسی کنیم تا مبادا این که خود ما در اشتباه و خطای درک مطلب قرار داشته باشیم. به قول مولانا جلال الدین بلخی:

چشم حس چون کف دست و بس * * نیست کف را بر همه او دسترس

بلی، هرچندی که دوربین چشم ما دنیای محسوس بیرونی را فیلتر نموده و داخل ادراکات ما می‌سازد؛ مشروط بر این که ما آن را درست فیلتر کنیم و یا بهتر است بگویم توان این فیلتر نمودن را در خود رشد داده باشیم و این کار را پیوسته و دوامدار انجام دهیم؛ متأسفانه بسیاری انسانها به مثل شخصی را مانند که درچشمان خویش دوربین های رنگه ای دارند که به وسیله آن برف سفید را به رنگهای متفاوتی می‌نگرند.

غالباً ما تصور می‌کنیم آنچه را که عقل قاصر ما حکم می‌کند صحت دارد و هر چیز دیگری باطل است؛ ما فراموش نموده ایم این که حکیم، دانشمند فیلسوف و شاعر فرزانه عمر خیام در رباعی شماره ۱۴۳ خویش می‌سراید اینکه:

قومی متفکر اند اندر ره دین قومی به گمان فتاده در راه یقین

میتراسم از آنکه بانگ آید روزی کای بیخبران راه نه آنست ونه این

در فرجام باید خلاصه نمود این که "شکار شایعه نشویم!"

پایان

دیدگاه بگذارید.

یاددهانی:

برای جلوگیری از مغالطه محتویات شایعات و کرکتر های مربوطه آن باید تفاوت زمان تحریر این مقاله با زمان چاپ مجدد آن، مدنظر گرفته شود!